



Challenges, Capacities, and Strategies for Religious Rapprochement in Naqshbandi order in Turkey

Akram Ehsaninejad (corresponding author)

PhD, University of Religions and Denominations, Qom

Email: a.ehsaninejad@urd.ac.ir

Dr. Hamed Naji Esfahani

Associate Professor, University of Isfahan

Dr. Alireza Ebrahim

Assistant Professor, North Tehran Branch, Islamic Azad University

Abstract

The conflict between Islamic sects is one of the great challenges of the Islamic world that has hindered the unity of Muslims from the past to the present and has created many struggles. This research, which was compiled using a descriptive-analytical method, attempts to analyze the causes of divergence between Shiism and the followers of Naqshbandi order in Turkey, and presents solutions for rapprochement based on their common grounds. The findings show that Naqshbandi order in Turkey has an Iranian origin and the early works of this order were written in Persian in Anatolia; therefore, their historical memory of their historical identity is mixed with the culture of Iranian Islam. Naqshbandi sheikhs emphasize the love of the Ahl al-Bayt (P.B.U.T.) as one of the necessities of conduct, and some of them have written treatises on the good manners of the Imams (P.B.U.H.). Visiting the graves of the saints and seeking refuge in them are also among the foundations of Naqshbandi order and provide them with a close understanding of Shiism. An important challenge on the path to rapprochement between denominations is the insults, curses, and excommunication of historical figures, which, of course, are not devoid of religious prejudices and political motives. Based on some lived experiences, it seems that providing the possibility of the attendance of Naqshbandi sheikhs of Turkey in Iranian shrines, bilateral and respectful dialogues between scholars, and the prohibition of insulting the companions of the Prophet (P.B.U.H.) could pave the way for rapprochement. Granting more freedom to Iranian Naqshbandis to establish *tekyes* and *dhikr* gatherings (special kinds of religious gatherings) is also a big step that will both affirm religious freedoms in Shiite Iran and prevent the unbridled spread of Salafism among Iranian Sunnis.

Keywords: Naqshbandi Order, rapprochement of sects, Sufism in Turkey, Shiism and Sufism, Strategies for rapprochement of Shiite sects





چالش‌ها، ظرفیت‌ها و راهبردهای تقریب مذاهب در نقشبندیه ترکیه

اکرم احسانی نژاد

دانش آموخته دکتر ادیان و مذاهب قم

Email: a.ehsaninejad@urd.ac.ir

حامد ناجی اصفهانی

دانشیار دانشگاه اصفهان

علیرضا ابراهیم

استاد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

اختلاف میان مذاهب اسلامی از جمله چالش‌های بزرگ جهان اسلام است که از گذشته تا کنون مانع اتحاد مسلمانان بوده و کشمکش‌هایی فراوان را ایجاد کرده است. این پژوهش که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده، می‌کوشد تا علل و اگرایی میان تشیع و پیروان طریقه نقشبندیه در ترکیه را واکاوی نماید و بر اساس زمینه‌های مشترک، راهکارهایی را جهت تقریب ارائه نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که نقشبندیه ترکیه خاستگاهی ایرانی داشته و آثار اولیه این طریقه در آناتولی با زبان فارسی به نگارش درآمده‌اند؛ لذا حافظه تاریخی ایشان از هویت تاریخی خویش، با فرهنگ اسلام ایرانی آمیخته است. مشایخ نقشبندی بر محبت اهل بیت علیهم السلام به عنوان یکی از لوازم سلوک تأکید دارند و بعضی از آنان، رسانی را در مناقب ائمه علیهم السلام به نگارش درآورده‌اند. زیارت قبور اولیاء و توسل به ایشان هم جزو مبانی نقشبندیه است و درک نزدیکی از تشیع را برای آنان حاصل می‌نماید. چالش مهم در مسیر تقریب مذاهب، دشنام، لعن و تکفیر شخصیت‌های تاریخی است که البته از تعصبات مذهبی و اغراض سیاسی خالی نیست. برپایه برخی تجربه‌های زیسته، به نظر می‌رسد که فراهم آوردن امکان حضور مشایخ نقشبندی ترکیه در زیارتگاه‌های ایران، گفتگوهای دوجانبه و احترام‌آمیز میان علماء، و ممنوعیت سبّ اصحاب پیامبر علیه و آله السلام، بتواند مسیر تقریب را هموار سازد. اعطای آزادی بیشتر به نقشبندیان ایرانی برای برپایی تکیه‌ها و مجالس ذکر نیز گام بلندی است که هم بر آزادی‌های مذهبی در ایران شیعی صحنه می‌گذارد و هم مانعی برای گسترش لحام‌گسیخته سلفی‌گری در میان اهل سنت ایرانی خواهد بود.

واژگان کلیدی: طریقت نقشبندیه، تقریب مذاهب، تصوف ترکیه، تشیع و تصوف، راهبردهای تقریب تشیع

مقدمه

نبود تفاهم میان مذاهب اسلامی، دست‌آویزی برای دشمنان گشته تا میان پیروان این مذاهب ناسازگاری و آشوب برپا کنند و در پرورش استعدادهای آنان سنگ‌اندازی نمایند؛ در زمینه‌های گوناگون مایه عقب‌ماندگی‌شان شده‌اند و این دشمنان با فراز و نشیب‌هایی در درازای تاریخ، مانع پیشرفت پیروان مذاهب اسلامی بوده‌اند. برای برداشتن این دست‌آویز می‌توان راهبردهایی در زمینه «تقریب بین مذاهب اسلامی» به کار برد؛ تقریب و فعالیت در این گستره نیازمند زمینه‌ها، منافع مشترک، گفتگو، دوری از اختلاف‌های تاریخی و... است.

«ترکیه» کشوری اوراسیایی است که پیوند دو قاره آسیا و اروپا را آسان ساخته و یکی از مهم‌ترین مناطق جغرافیایی جهان قلمداد می‌شود.^۲ در این کشور پیروان ادیان مختلف و نیز مذاهب اسلامی به ترتیب حنفی، شافعی، حنبلی، علوی، شیعه دوازده امامی و... زندگی می‌کنند. این سرزمین از دیرباز برای طریقت‌های گوناگون تصوف اسلامی نیز پناهگاهی ایمن بوده است، گرچه این بلاد در تاریخ درازی از چنددستگی، جدایی، کشمکش و ستیز میان مذاهب، بسیار آسیب دیده و مردمان این دیار از کشاکش‌ها در رنج و سختی بوده‌اند ولی «تصوف» دارای تجربه‌های تاریخی موفقی در زمینه برپاداشتن زندگی مسالمت‌آمیز با آرامش و آشتی میان مذاهب اسلامی بویژه میان اهل سنت و شیعه و پیروان دیگر ادیان بوده و از سویی نیز تصوف در تحکیم تقریب و برقراری روابط نیکو بین آنها، پیشینه درخشان دارد.

در این پژوهش، برای ورود به رویداد تقریب، «طریقت نقش‌بندیه» انتخاب گردید که خود را از گذشته تا کنون نماینده اهل سنت معرفی کرده و طریقتی گسترده و تاثیرگذار در میان اقشار گوناگون مردم ترکیه بوده و هست و گمان می‌رود دارای «ظرفیت»‌هایی برای تعامل با شیعیان است، از همین‌رو از دید پژوهنده آشنایی با نقش‌بندیه می‌تواند نقش کارسازی در تقریب داشته باشد؛ افزون‌بر این بعضی باورها، عقاید، شعائر مشترک این طریقت با شیعه، کاوش شده و توانایی تعاملی آن و نیز موانع تحقق تقریب با نام «چالش‌های تقریب» سنجیده می‌شود تا بتوان به آشتی میان مذاهب اسلامی دست یافت.

بنابراین شناخت طریقت صوفیانه نقش‌بندیه از مهمترین انگیزه‌های بررسی ظرفیت‌ها برای تقریب مذاهب در کشور ترکیه گردید؛ از همین‌رو، نگارنده کوشیده تا این نوشتار مدخلی برای درک درست و دوسویه از اوضاع دینی کشور همسایه یعنی ترکیه باشد؛ افزون‌بر این، تاثیرگذاری و تاثیرپذیری تاریخی دوجانبه اهل سنت ترکیه و شیعیان ایران سبب گردید تا موضوع به مانند الگویی برای عمیق‌تر کردن شتاب

۲. ابوالقاسمی، ترکیه در یک نگاه، ۳.

تقریب مذاهب اسلامی در ایران نیز به شمار آید.

از دیگر دلیل‌های گزینش نقشبندیه این بود که هنوز زبان رسمی بیان اندیشه‌های این طریقت زبان فارسی است و آثار و معارف خلفای نقشبندیه به این زبان به رشته تحریر درآمده است و دیگر اینکه بزرگان نخستین آنها ادامه مشایخ سلسله خواجهگان بوده که همه با لقب «خواجه» خوانده می‌شدند.^۳ و بسیاری از آنان ایرانی بوده یا تربیت شده استادان ایرانی بودند.

به نظر می‌رسد اگر دیدگاه‌های مشترک یعنی ظرفیت‌های میان طریقت نقشبندیه ترکیه و شیعیان مانند: محبت اهل بیت (ع) و همچنین چالش‌هایی چون: سب و لعن، تکفیر و... شناسایی شود، می‌توان راهبردهای جدیدی در تقریب اهل سنت و شیعه فراهم آورد که تاکنون به آنها توجه نشده یا کمتر واکاوی شده است.

پیشینه پژوهش

هر چند درباره طریقت نقشبندیه پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است که تصویری مختصر از نقشبندیه معاصر ترکیه را برای ما ترسیم کرده‌اند. می‌توان از کتاب‌های ترجمه شده فارسی زیر نام برد:

۱. نقشبندیه در آسیای غربی و مرکزی از الیزابت ازدالگا، ۱۳۸۹، کتاب حاضر مجموعه مقالاتی از اندیشمندان و پژوهشگرانی است که در باره نقشبندیه تحقیق نموده‌اند. این پژوهش‌ها در کنفرانسی در سال ۱۹۹۷ م در استانبول ارائه گردیده که توسط انستیتو پژوهشی سوندی برگزار شده بود.
۲. جایگاه عرفان در آناتولی ترکیه از پروفیسور قلیچ ۱۳۹۱، این نوشتار مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای عرفانی با دکتر «محمود ارول قلیچ» از عرفان پژوهان شناخته شده کشور «ترکیه» است.
۳. طریقت نقشبندیه از حامد الگار، ۱۳۹۸، این کتاب دربرگیرنده مجموعه مطالب کاملی درباره طریقت نقشبندیه است که توسط حامد الگار از چهره‌های شناخته شده عرصه پژوهش، به زبان انگلیسی است. وی برای انجام این کار سال‌ها تلاش نموده و افزون بر مراجعه به صدها منبع به زبان‌های مختلف، به برخی کشورها از جمله ایران نیز سفر کرده است. ترجمه این کتاب از ترکی استانبولی صورت گرفته و می‌توان آن را از جامع‌ترین منابع پژوهشی درباره نقشبندیه در ایران دانست.

در زمینه تقریب تحقیقاتی انجام شده که به بعضی اشاره می‌شود:

۱. «شیوه‌های تعامل و هم‌زیستی پیروان مذاهب اسلامی» از حسین رجبی، ۱۳۸۸، پژوهشی در مبنای، روش‌ها و آسیب‌های هم‌زیستی و تعامل مثبت پیروان مذاهب اسلامی است.

۳. واعظ کاشفی، فخرالدین صفی‌علی بن حسین، رشحات عین الحیات، ۳۴.

۲. پایان نامه «مبانی تقریب نظریه تقریب مذاهب، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲، در این پایان نامه مبانی بنیادین تقریب مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.
 ۳. «رابطه تعظیم شعائر و تقریب مذاهب» از اعظم خوش صورت، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۷، این تحقیق نیز ارتباط بین شعائر مذهبی با تقریب مذاهب را داخل کشور مورد بررسی قرار داده است.
 ۴. «تاملی بر مسئله وحدت» از محمد حسین امیر اردوش، ۱۳۸۹، نویسنده به صورتی در خور به مقوله وحدت اسلامی و پیشینه تاریخی آن در دوران معاصر پرداخته است.
 ۵. «همبستگی مذاهب اسلامی» از عبدالکریم بی آزار شیرازی، ۱۳۸۷، این کتاب حاوی برگزیده بهترین مقالات علمی و اصلاحی مجله «رساله الاسلام» است. اولین بخش کتاب درباره پیدایش تقریب و رجال آن و بخش دوم هدف تقریب را بیان کرده است. بخش‌های بعد نیز به تبیین راه و روش تقریب، حل اختلافات و قسمتی از اقدامات تاریخی دارالتقریب و همچنین دانشگاه الازهر در مصر اختصاص دارد. مقالاتی هم نزدیک به این موضوع به چاپ رسیده که بعضی از آنها نام برده می‌شود:
 ۱. «نقش تصوف شهری در تحولات سیاسی و اجتماعی آناتولی در سده هفتم و هشتم هجری» از محمد تقی امامی خویی و محمد امین نجفیان، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۵
 ۲. «واکنش آل عثمان به استقرار نظم شیعی در ایران» از مجتبی سلطانی احمدی، پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
 ۳. نقش‌بندیه در روزگار ما از مسعود جعفری، نشر دانش، شماره ۹۶، تابستان ۱۳۷۹
- اما جستجو در سایت جامع ایران‌داک نیز نشان داد که هنوز هیچ تحقیق دانشگاهی مستقل درخصوص تقریب تشیع و نقش‌بندیه ترکیه به نگارش در نیامده است و باید گفت که این عنوان‌ها بر پایه تقریب مذاهب بر اساس نظریه‌های طریقت نقش‌بندیه آن هم در حیطه جغرافیایی ترکیه نبوده است و می‌توان گفت که این ویژگی بر نو بودن مقاله تأکید دارد.

مبانی نظری

در این قسمت مبانی نظری پژوهش به شکل اجمالی بیان می‌شود.

تقریب: ریشه واژه تقریب از «قرب» بوده و به معنای نزدیک کردن و نزدیک شدن است.^۴ پیشینه تقریب بر پایه کلام و حیانی است: «همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادران خود، صلح و آشتی

برقرار کنید» (حجرات: ۱۰)^۵ همچنین حضرت محمد(ص) در مراسم «حجة الوداع» به اصحاب خود فرمودند: «مسلمانان با هم برادرند و خون‌هایشان از نظر ارزش و اعتبار مساوی هم هستند و خون هیچ شخصی از دیگری ارزشمندتر نیست».^۶ می‌توان گفت هدف تقریب مذاهب برگرفته از وحی و سنت برای برپایی مودت و اخوت اسلامی است.

تقریب در اصطلاح به معنی تلاش بزرگان و اندیشندگان اسلامی برای نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی با هدف شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به اخوت دینی براساس اصول و اشتراکات اسلامی است؛ هدف از این پژوهش نیز نزدیک کردن مذاهب اسلامی با تکیه بر اشتراک‌ها و دوری از اختلاف‌ها است. به بیانی هدف از تقریب نزدیک کردن شیعیان و اهل سنت، رفع اختلاف و کمرنگ کردن یا از بین بردن دشمنی مسلمانان با یکدیگر است برای اینکه بتوان آنان را متحد نمود. تحقق این موضوع به اجتماع عالمان مذاهب اسلامی در یک مکان و طرح مسائل نظری-اجتهادی در محیطی صمیمی برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی و نشر نتیجه بحث‌ها بین پیروان، بستگی دارد.^۷ بنابراین هدف از تقریب مذاهب به هیچ‌روی این نیست که شیعه، سنی شود یا سنی، شیعه، بلکه مراد این است که چون مسلمانان اشتراکات بسیار دارند، می‌توان در مهم‌ترین مسائل مانند مسائل فقهی بر پایه اصول مشترک، هم‌فکری و همدلی نمود.^۸ اگر به مسائل فقهی اشاره شده دلیل اینکه بسیاری از اختلاف‌های پیروان مذاهب اسلامی برای همین مسائل و به عبارتی در مباحث فرعی است نه در اصول دین. بنابراین تقریب مذاهب اسلامی به معنای تک‌مذهبی کردن یا دست کشیدن از اعتقادات نیست بلکه بدین معناست که مسلمانان با داشتن مذاهب مختلف از مباحث اختلاف‌انگیز گذر کرده و با توجه به اصول ثابت و مشترکات دینی در جهت آرمان‌های اسلام، انجام دستورات الهی و تشکیل امت واحده قدم برداشته و از دست زدن به اعمالی که باعث ایجاد آشفتگی در جامعه شود دوری نمایند تا زمینه را برای سوء استفاده بدخواهان فراهم نیاورند و خود از صلح و آرامش پایدار برخوردار شوند.

نقشبندی: یکی از طریقت‌های صوفیه سنی مذهب (حنفی و شافعی) و فعال در ترکیه است که در قرن ۱۵ میلادی به ترکیه راه یافته و به سرعت گسترش یافت.^۹ نقشبندی پیروان بسیاری در میان اقشار مردم خواه روشنفکر، خواه عام، خواه سیاسی و... دارد و از این طریقت شاخه‌های بسیاری رسته شده که در این

۵. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (حجرات: ۱۰).

۶. کلیتی، الکافی، ۴۰۳.

۷. ناطقی، تاریخ تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴.

۸. طاهری عراقی، «یادگار طاهر: مجموعه مقالات دکتر احمد طاهری عراقی»، ۱۰۷.

سرزمین در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... نقش پررنگی دارند.

مذاهب: مذهب (جمع آن مذاهب) به یکی از تیره‌ها و شاخه‌های درون یک دین گفته می‌شود، در گذشته به مکتب‌های فکری درون دینی مانند مذاهب چندگانه فقه اسلامی (حنفی، شافعی، حنبلی، اثنی عشری و...) یا کلامی و... گفته می‌شد.

چالش: می‌توان از چالش به عنوان مانع نیز یاد کرد. چالش به هر اعتقاد، گفتار یا رفتاری گفته می‌شود که سد رسیدن به تقریب مذاهب اسلامی و اتحاد مسلمانان باشد. چالش به دو بخش عملی و نظری تقسیم می‌شود. چالش نظری این است که فرد بنابر برداشت خود اعتقادی به تقریب ندارد و این برداشت با توجه به آموخته‌هایش و... از پیش فرض‌های ذهنی او سرچشمه می‌گیرد.^{۱۰} چالش عملی نیز به رفتار یا گفتار برخی افراد یا گروه‌ها گفته می‌شود که مانع تحقق تقریب می‌گردد و در راه رسیدن به این مهم سنگ‌اندازی می‌کنند.

ظرفیت: مراد از ظرفیت، توانایی همزیستی مسالمت‌آمیز، همدلی و همبستگی پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر و در مرتبه والاتر پیروان دیگر ادیان و آدمیان با گرایش‌های گوناگون است ولی در اینجا مراد بین مسلمانان پیرو مذاهب گوناگون اسلامی و بویژه شیعه و نقش‌بندیه است.

راهبرد: راهبرد هر عمل، گفتار و رفتاری که برای حل اختلاف میان مذاهب بکار برده شود و در راستای هدف تقریب باشد. هدف از راهبرد، راه‌حل‌ها، راهکارها و پیشنهادها برون‌رفت از چالش‌های پیش روی تقریب است.

۱. چالش‌های تقریب مذاهب در نقش‌بندیه ترکیه

از چالش‌هایی که از گذشته تا کنون سبب خورنریزی و درگیری میان پیروان مذاهب اسلامی شده، چالش‌های «تکفیر» و «سَبِّ و لَعْن» است که نگارنده این دو چالش نظری (اعتقادی) دیرین و همچنان زنده را کاوش نموده و بنابر ظرفیت‌های نقش‌بندیه، راهبردهایی برای آن بیان می‌کند.

۱-۱. چالش تکفیر

تکفیر از «ک.ف.ر» به معنی پنهان کردن و پوشاندن است.^{۱۱} و در اصطلاح فقهی کافر خواندن کسی و نسبت کفر دادن به مسلمان است.^{۱۲} گرچه تعریف‌های دیگری نیز برای این واژه آمده ولی در این پژوهش

۱۰. سلماسی، «مبانی تقریب نظریه تقریب مذاهب اسلامی»، ۲۱.

۱۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۹۱.

۱۲. محمود عبدالرحمن، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه.

مراد از تکفیر نسبت کفر دادن به پیروان مذاهب اسلامی توسط مسلمانان دیگر است. سؤالی که به ذهن می‌رسد، آیا تکفیر از آغاز بین پیروان طریقت صوفیانه نقشبندیه و شیعه جریان داشته است؟ در واکاوی متون نخستین نقشبندیه و سخنان خلفای پیشین، دشمنی و کینه‌ای برداشت نمی‌شود که به تکفیر شیعه اشاره داشته باشد و موضع خلفای نخستین با توجه به آموزه‌هایشان در برابر شیعه، تقابلی نبوده است. ناصرالدین عبیدالله احرار (۸۰۶-۸۹۵ق) از اقطاب نقشبندیه است که نقشبندیه از زمان ایشان تا زمان شیخ احمد فاروقی سرهندی (۹۷۱-۱۰۳۴ق) معروف به «مُجَدِّد الف ثانی»، به نام «أحراریه» مشهور بود و بنابر نظر برخی تا زمان وی هیچ‌گونه کینه و عداوتی بین نقشبندیه و شیعه وجود نداشته است.^{۱۳}

در ترکیه رویکرد خصمانه با شیعه در دوره‌های بعدی بروز کرد یعنی زمانی که بزرگان این طریقه به جایگاه‌های دولتی مانند سِمَتِ شیخ الاسلامی و ... دست یافتند.^{۱۴} یا سلاطین عثمانی کوشیدند به سلطنت خود از طریق آنان اعتبار دینی دهند؛ می‌توان از نخستین مخالفت‌های روشن نقشبندیان با تشیع، از مخالفت میر نظام الدین علیشیرنوی (۸۴۴-۹۰۶ق) نام برد که در عرصه سیاسی با شیعیان آشکار شد.^{۱۵} ولی حتی این تفاوت دیدگاه نیز به تکفیر و حکم جهاد ضد یکدیگر کشیده نشد ولی به تدریج بزرگان این طریقه در مسیر قدرت‌طلبی از عقاید مردم عادی سوء استفاده کرده و آنان را به سمت تمایلات خود سوق دادند؛ بنابراین می‌توان گفت از زمانی که تصوف با قدرت سیاسی در هم می‌آمیزد یا نردبان ترقی خواسته‌های سلاطین قرار می‌گیرد، دشمنی بین مذاهب اسلامی مذکور آشکار می‌شود.

بارزترین و مهم‌ترین اختلاف‌ها به موضع سردمداران حکومت صفوی بر می‌گردد. دولتی که با تشکیل آن جلوی نفوذ و گسترش تصوف سنی به ویژه نقشبندیه را گرفت و نقشبندیان نتوانستند طریقه خود را در ایران مانند عثمانی و عراق گسترش دهند. در پی رویارویی صفویان با اهل سنت در راس آن نقشبندیه، تعدادی از آنها مجبور به ترک ایران و مهاجرت به سوی عراق و عثمانی شدند از سوی دیگر، پیوند نقشبندیه با عثمانی و شیانیان به عنوان دشمن دولت صفوی از دلایل دشمنی صفویان با نقشبندیه بود.^{۱۶} به هرروی، در ایران زمین اوضاع چنان علیه نقشبندیان بود که برخی از آنان به اتهام نقشبندی بودن به قتل رسیدند. یکی از سران نقشبندیه به نام میرزا مخدوم شریفی (۹۹۴ هـ.ق) می‌نویسد: هر گاه به کسی که در حال مراقبه است، مشکوک می‌شدند، می‌گفتند: او نقشبندی است و گمان می‌کردند باید او را کشت (الگار، ۱۳۹۸ به

۱۳. الگار، نقشبندیه، ۱۹۹.

14. Gunduz, *Osmanlılarda Devlet- Tekke Munasebetleri*, p. 253.

۱۵. الگار، نقشبندیه، ۲۰۰.

۱۶. الگار، نقشبندیه، ۱۹۶.

نقل از النواقد لبيان الروافض: ۱۹۷). می‌توان گفت وضعیت آن دوران دلیلی برای فتوای تکفیر شیخ‌الاسلام‌های سنی نقش‌بندی علیه شیعیان بوده است. از سوی دیگر، شرایط شیعیان در خارج از ایران و بویژه در سرزمین عثمانیان، بسیار سخت‌تر از نقش‌بندیان در ایران بود. به تعبیری در آن دوران، بروز اختلاف اهل سنت و شیعه در ایران و ترکیه درونمایه سیاسی داشت و سران مذاهب دینی با گرایش سیاسی و نیز دولت‌ها با گرایش دینی در راستای هدف‌هایشان، خود را پیشوای مذهب می‌دانستند. به عنوان مثال، سلطان سلیم (حکومت ۹۱۸ تا ۹۲۶ق) که داعیه خلافت داشت تا آنجا پیش رفت که به خود اجازه صدور حکم تکفیر علیه شاه اسماعیل صفوی را داد، وی در نامه‌هایش شاه اسماعیل را با الفاظ ناخوشایند زندقه، إلحاد، کافر و مُرتد خطاب کرده و او را تهدید به قتل می‌کند.^{۱۷} گرچه شاه اسماعیل نیز جواب سلطان سلیم را به طعن و کنایه می‌دهد ولی وی از ادبیات تکفیر استفاده نکرده است.^{۱۸} به هر روی، این نگرش‌ها و نگاشته‌ها سبب رسمیت دادن به سیاست تکفیر گشت که در قالب فتوای شیخ‌الاسلام‌های حکومتی در حکومت عثمانی صادر شد و قتل، غارت و جنگ‌های بسیاری علیه شیعیان در پی داشت؛ تصوف اهل سنت نیز وارد این بحران شد، بویژه زمانی که سلاطین عثمانی پیرو نقش‌بندیه شدند یا شیخ‌الاسلام دربار را از نقش‌بندیه انتخاب می‌کردند. عثمانیان تنها به تکفیر بسنده نکردند بلکه سلطان عثمانی جنگ با شاه اسماعیل را غزا و جهاد نامید.^{۱۹} چنانچه در اسلام، مسلمانان در برابر کفار جهاد می‌کنند نه مقابل خودشان.

دشمنی و تقابل شیخ‌الاسلام‌های نقش‌بندیه با شیعیان چنان اوج گرفت که با استفاده از جایگاه قدرتمند خود، پس از کشتار پیروان طریقت صوفیانه شیعی بکتاشیه، خانقاه‌هایشان را به نقش‌بندیه واگذار کردند و بر خود مغرور شده و گفتند که علت این وقایع اطاعت آنها از سنت است. این غرور و خود برترینی برخی از آنها به جایی رسید که سلطان عثمانی از این وضعیت ناراضی گشته دست به تبعید تعدادی از آنها زد مانند احمد اسعد افندی. ولی او پس از مدتی با وساطت مکی زاده و دیگران دوباره به صحنه قدرت بازگشت.^{۲۰} توهم خودبرترینی نقش‌بندیه نیز برخاسته از قدرت آنان در دستگاه حکومتی بود که خود چالشی برای تقریب شمرده می‌شود همانگونه که تا کنون نیز برخی مسلمانان با این نگرش وجود دارند و اسلام خود را برتر و خالص‌تر از دیگر مذاهب می‌پندارند بلکه دیگر مذاهب را خارج از حوزه دین

۱۷. فریدون بیگ، منشآت السلاطین، ۳۸۲-۳۸۳.

۱۸. نوایی، شاه اسماعیل مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی به همراه یادداشت‌های تفصیلی، ۱۶۹.

۱۹. عبادی، «بحران مشروعیت سلطنت و ارتباط آن با وقوع جنگ چالدران»، ۱۴۱-۱۵۸.

۲۰. روحانی، تاریخ مشاهیر کرد، ۳۰۸.

می‌دانند یا اسلام آنها را آمیخته به کفر می‌انگارند که این نگرش در دوران معاصر نیز همچنان جان و مال مسلمانان را به نابودی می‌کشد.

می‌توان گفت پیروان این طریقه با توجه به افول جایگاه خود در ایران کوشیدند که با استفاده از اختلافات سیاسی ایران و عثمانی جایگاهی در دولت عثمانی برای خود ایجاد کنند تا بتوانند در مقابل شیعه و حکومت صفوی بایستند و در سایه این دولت به فعالیتهای خود برای رسیدن به اهدافشان تلاش کنند.

۱-۲. چالش سب و لعن

نسبت ناروا به دیگران سبب بدبینی افراد می‌شود و در تاریخ مسلمانان این موضوع، دلیل ریختن خون بسیاری گردید. واژه «سب» به معنای دشنام دردآور است.^{۲۱} و لعن یعنی «طرد و دوری از رحمت و گرفتار شدن به سخط الهی» است.^{۲۲}

سب و دشنام به هیچ‌روی در اسلام پسندیده نیست: «و به آنچه مشرکان غیر از خدا می‌خوانند دشنام ندهید» (انعام: ۱۰۸)^{۲۳}، ائمه اطهار(ع) نیز از آن نهی نموده‌اند. پس از جنگ بدر، صحابه به سپاه کفر دشنام می‌دادند، پیامبر(ص) فرمود: «به این جماعت دشنام ندهید زیرا نه تنها دشنام دادن شما به ایشان ضرر و زیانی نمی‌رساند بلکه در عوض باعث رنجش و ناراحتی بازماندگان ایشان خواهد شد» و در ادامه فرمودند: «آگاه باشید و بدانید پلیدی و هرزگی زبان بد گوهری است».^{۲۴} آن حضرت در باره لعن نیز فرموده‌اند: مؤمن لعن‌کننده نخواهد بود.^{۲۵} امام علی(ع) نیز در جنگ صفین به یاران خود سفارش فرمودند: «من دوست ندارم که شما دشنام دهید و مردمی بد زبان و ناسزاگو باشید»^{۲۶} بنابراین می‌توان گفت همانگونه که تکفیر مسلمان، برخاسته از اسلام نیست سب و لعن نیز ریشه اسلامی ندارد.

نتیجه درگیری‌های سیاسی و مذهبی ایران و عثمانی، تکفیر شیعیان بود و شیعه در تقابل با آن، شیوه سب و لعن را در پیش گرفته و سب شیخین را دامن زد؛ این مسئله در زمان صفویه جلوه بارزی به خود گرفت و سب شیخین از چالش‌های کینه‌توزانه بود که مایه دشمنی عمیق اهل سنت گردید؛ سوگمندانه از چالش‌های تکفیر و سب و لعن، چالش‌های نسبت ناروا دادن، زاییده شد.

۲۱. اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۳۹۱.

۲۲. اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۷۴۲.

۲۳. «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ»: انعام: ۱۰۸.

۲۴. غزالی، احیاء العلوم، ۲۵۴.

۲۵. شاکر سملسی، «مبانی تقریب نظریه تقریب مذاهب اسلامی»، ۱۵۹.

۲۶. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶: ۳۲۳.

نسبت‌های ناروا در تاریخ مذاهب اسلامی، رویدادهای اندهباری مانند: جنگ، قتل، غارت، آوارگی و... برای مسلمانان جهان اسلام در پی داشته و تاکنون نیز دارد. به عنوان مثال تحریف عقاید شیعیان از ناحیه اهل سنت و دادن نسبت‌های ناروا به آنان که سبب تکفیر آنها شد:

۱- شیعه به خدا بودن امام علی معتقد است.

۲- شیعه برای از بین بردن اسلام به وجود آمده است.

۳- قرآن شیعه غیر از قرآن اهل سنت است.

۴- شیعه به جای خدا بر تربت امام علی یا کربلا سجده میکند.^{۲۷} و...

این نسبت‌ها از طرف کسانی مطرح می‌شد که با از عقاید مذاهب مختلف اسلامی اطلاع کافی نداشتند یا از روی غرض و کینه این عمل را انجام می‌دادند و به قول مولانا:

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به سوی دیده شد.^{۲۸}

به‌هرروی، دادن نسبت‌های ناروا سبب زایش چالش نگارش‌های کینه‌توزانه نگارندگان علیه پیروان مذاهب اسلامی شد؛ تذکره‌نویسان عثمانی و ایرانی دست به مَطاعن‌نگاری و مَثالب‌نگاری علیه یکدیگر زدند. حسین ابن عبدالله شروانی رساله «الاحکام فی تکفیر قزلباش» را نوشت و فتوای قتل شیعیان صادر شد تا بدانجا که ثواب کشتن یک شیعه رافضی معادل کشتن هفتاد کافر حربی دانسته شد. وی می‌نویسد: «صفویه قصد دارد مکه را خراب و قبور اصحاب پیامبر را بسوزاند و کعبه را به اردبیل منتقل کنند تا این شهر قبله مسلمانان باشد».^{۲۹} از آثار دیگر در این زمینه رساله «فی تکفیر الشیعه الارذیبلیه و غیرهم من الفرق الضالّه الروافض» از محی الدین محمد لطف الله بیرامی بروسوی رومی (۹۵۶هـ.ق) است.

نگاشته‌ها و فتواها تنها به نوشتار و گفتار نماند بلکه به شکل عملی نیز آشکار شد؛ رفتار حکومت عثمانی با شیعیان و عملکرد فقیهان اهل سنت معروف به «قاضی لَر» با بکتاشی مبنی بر کشتار و مصادره خانقاه‌هایشان سبب ناراحتی بسیاری از آنها شد؛ از همین‌رو، برخی بزرگان بکتاشیه نیز در بعضی کرده‌هایی‌های خود، سنی‌ها را یزید و معاویه می‌خواندند.^{۳۰} یا فتوای تکفیر شیخ نوحی الحنفی (۱۱۹۸-۱۲۵۲هـ.ق) عالم سرشناس از پیروان نقش‌بندیه خالديه با فقه حنفی که از مخالفان شیعه بود سبب آزار، اذیت و کشته شدن هزاران شیعه گردید. همانگونه که در سرزمین‌های عثمانی کتاب‌هایی در

۲۷. سلماسی، «مبانی تقریب نظریه تقریب مذاهب اسلامی»، ۲۲.

۲۸. مولانا، ۱۳۶۲، دفتر اول: بیت ۳۳۴.

۲۹. شروانی، الاحکام فی تکفیر قزلباش، ۷۲۲.

۳۰. ابراهیمی‌راد، سیرتاریخی طریقت بکتاشیه، ۱۰۸.

نکوهش شیعه و تحریف عقاید آنها نگاشته می‌شد در مقابل آن شیعیان نیز به تبلیغ علیه اهل سنت و خلفا و نوشتن آثار مکتوب در مذمت آنها برخاستند^{۳۱} و می‌توان گفت شاید مانند آثار گفته شده علیه شیعه، نوشته‌های شیعیان ضد سنیان نیز از اصول و پایه‌های علمی تهی بود. مانند: «یوم الحشر فی فساد نسب عمر» از شیخ سلیمان ماحوزوی (وفات ۱۱۲۱ق)، «انساب النواصب» از علی ابن داوود خادم استرآبادی (۱۰۷۷ هـ.ق) در زمان شاه عباس دوم.

در این بخش ظرفیت‌های طریقت اثرگذار نقشبندیه با شیعه و اکاوی می‌گردد تا تقریب به صورت عملی دارای کاربرد گشته و نتیجه‌بخش باشد.

۲. ظرفیت‌های تقریب مذاهب در نقشبندیه ترکیه

برای اینکه بتوان به تقریب دست یافت باید از ظرفیت اصول اعتقادی مشترک دینی (توحید، معاد، نبوت، معاد، قرآن کریم و تحریف نشدن آن) میان مذاهب اسلامی بیشتر بهره برد و در کنار آن اختلاف نظر در فروع (کلامی، فقهی، حدیثی و ...) را نیز حل کرد. در این پژوهش بیشتر روی ظرفیت‌های مشترک میان نقشبندیه ترکیه و تشیع تاکید شده که استعداد ایجاد تقریب را دارند. ولایت، احترام اهل بیت (ع)، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عج) از ظرفیت‌های اعتقادی شمرده می‌شود.

۲-۱. ظرفیت ولایت

«ولایت» یعنی یاری و نصرت و ولایت به معنای سرپرستی و متولی امور شدن است.^{۳۲} نبوت ظاهر و باطنی دارد که باطنش را ولایت و ظاهرش را نبوت خوانند. ابن عربی ولایت را نبوت عامه می‌گوید که هر ولی و نبی به آن نائل می‌گردد و نبوت خاصه برای تشریع است: «فالولاية نبوة عامة والنبوة التي بها التشريع نبوة خاصة».^{۳۳} نسفی در بیان التنزیل برای نبی دورو، یکی به سمت خدا و یکی به سمت بندگان توصیف می‌کند که آن وجهه به سمت خداوند، واسطه در فیض بندگان است؛ این وجهه همان ولایت است.^{۳۴} که این مسئله یکی از اختلاف‌های میان اهل سنت و شیعه برای جانشینی پس از پیامبر است؛ شیعه، اعتقاد به ولایت و امامت حضرت امیرالمؤمنین (ع) پس از پیامبر اسلام دارد و اهل سنت و نقشبندیه به ولایت خلفا. بی‌شک تصوف اسلامی با چشم‌پوشی از سنی و شیعی بودن صوفیان، از معارف اهل بیت (ع) متأثر بوده است و برخی به کتاب‌های بزرگان صوفیه با گرایش سنی اشاره می‌کنند که در آنها یک رشته از

۳۱. روملو، احسن التواریخ، ۴۵.

۳۲. راغب، المفردات فی غریب القرآن، ۸۸۵.

۳۳. ابن عربی، الفتوحات المکیه، ۲.

۳۴. نسفی، بیان التنزیل، ۷۸.

آموزه‌های نورانی ویژه تشیع وجود دارد که در غیر کلام ائمه اهل بیت (ع) نشانی از آنها نیست.^{۳۵} در راستای موضوع ولایت، کیستی سرسلسله مطرح می‌شود. نکته مهم اینکه بسیاری از سلسله‌های صوفیه خواه شیعه خواه سنی، کرسی‌نامه‌های ارشاد خود را به حضرت علی (ع) و سپس پیامبر (ص) منتسب می‌کنند، مگر نقشبندیه که سلسله طریقت و ارشاد خود را به خلیفه اول و پیامبر اسلام (ص) نسبت می‌دهد گرچه برای آن کرسی‌نامه‌های دیگری نیز آمده است: سلسله نخست (سلسله الدّهَب)، سلسله دوم (علویه معروفیه) منسوب به حضرت علی (ع) و سلسله سوم (صدیقیه) یا بکری است که به ابوبکر می‌رسد.^{۳۶} برخی از آنها نیز معتقد به حضرت امیرالمؤمنین (ع) بوده و دیگر ائمه اثنی عشری را گرامی داشته و امام جعفر صادق (ع) یکی از حلقه‌های کرسی‌نامه ایشان می‌باشد.^{۳۷} بنابراین می‌توان از این ظرفیت نیز برای نزدیک کردن نقشبندیه و شیعه یاری جست.

برخی خلفای نقشبندیه نیز در باره ولایت حضرت امیر (ع) دیدگاه خوش‌آیند و ویژه‌ای دارند که این مسئله می‌تواند مرجعی برای کم کردن فاصله‌ها و حل کردن مسئله اختلاف در باره ولایت آن حضرت باشد. مجدد الف ثانی می‌گوید: «چون حضرت امیر حامل بار ولایت محمدی بوده اکثر سلاسل به ایشان منتسب گشت. خلاصه حضرت امیر در ولایت و در کمالات نبوت با حضرت عیسی مناسبت دارد».^{۳۸} وی همچنین معتقد است: «ای برادر حضرت امیر چون حامل بار ولایت محمدی اند یعنی در وجود مبارک حضرت امیر کمالات ولایت حضرت محمد بیشتر از کمالات نبوت آن حضرت است و از کمالات نبوت ایشان نیز سهمی دارند سرقطب الاقطاب که قطب مدار است و زیر قدم مبارک حضرت امیر است».^{۳۹}

سید حیدر آملی از اندیشندگان شیعی با توجه به سخن ابن عربی در باره «القبطیه الکبری» و مرتبه «قطب الاقطاب» می‌گوید: این مرتبه برای کسی جز وارث نبی اکرم (ص) یعنی علی (ع) حاصل نیست، پس علی (ع) قطب الاقطاب است.^{۴۰} وی نیز مانند مجدد الف ثانی قطب الاقطاب را حضرت علی (ع) بیان می‌کند.

برخی از بزرگان نقشبندیه نیز از کشف و شهود خود خبر می‌دهند که به صاحبان مقام ولایت اشاره دارد: «بر من مکشوف ساختند که حضرت امیرالمؤمنین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب و جناب سیده

۳۵. صدوقی سها و سمیعی، دورساله در تاریخ جدید تصوف ایران، ۱۰۵.

۳۶. پارسا، فضل الخطاب لوصول الاحباب، ۴۷.

۳۷. قاضی، خواجه بهاء‌الدین نقشبندی در دوره تیموری، ۱۶۱.

۳۸. فاروقی سرهندی، مکتوبات امام ربانی، ۴۳۴.

۳۹. فاروقی سرهندی، مکتوبات امام ربانی، ۴۳۵.

۴۰. آملی، جامع الاسرار و منبع الانوار، ۳۹۶.

النساء فاطمه زهرا واسطه فیض ولایت اند اگرچه اولیای امم سابقه موجود باشند و بعد از ایشان تا ائمه اثنا عشر همین منصب قائم است».^{۴۱}

برخی نیز افزون بر توصیف جایگاه ولایت به مقام امامت نیز اشاره می‌کنند: «راه «قرب ولایت» پیشوای این راه و سرگروه این‌ها و منبع فیض این بزرگواران حضرت علی مرتضی است و این منصب عظیم الشان به ایشان تعلق دارد و حضرت فاطمه و حضرت حسنین در این مقام ایشان شریک‌اند».^{۴۲}

۲-۲. ظرفیت احترام اهل بیت (ع)

پیروان نقشبندیه پایبند شریعت و سنت هستند و نقشبندی و اهل سنت بودن مانع محبت و ارادت به اهل بیت به شمار نمی‌رود؛ هرچند تصور برخی از شیعیان بر این است که سنی مذهب‌بان به ویژه نقشبندیه با اهل بیت چندان میانه خوبی ندارند ولی مطالعه کتاب‌های بزرگان آنها به ویژه خلفای گذشته، نشان می‌دهد که آنان دوستدار خاندان حضرت محمد (ص) بوده و معتقدند این محبت با گرایش به تصوف افزایش پیدا کرده است.^{۴۳} این نگاشته‌ها به موفقیت و ظرفیت تصوف در کمرنگ کردن نگرش متعصبانه به اهل بیت (ع) و افزایش حُب به آنان اشاره دارد. برای نمونه می‌توان در استنبول از سید سلمان بلخی (۱۲۹۴ وفات ه ق) از نقشبندیه مجدديه نام برد که با استناد به منابع اهل سنت کتاب ینایع الموده در شرح محبت ورزیدن به اهل بیت و دوازده امام را نگاشت؛ وی همچنین در اثبات حقانیت مذهب شیعه امامیه اثر دیگری به زبان عربی به نام غبطه الایمان را نوشته است.^{۴۴}

مجدد الف ثانی در محبت اهل بیت می‌نویسد: «اظهار مودت ایشان {پیامبر اسلام} که به آن مامور است می‌نماید، چنانکه حق جل جلاله به آن حضرت می‌فرماید: بگو به مردم که من در مقابل تبلیغ قرآن از شما چیزی نمی‌خواهم و چیزی نمی‌گیرم، مگر دوستی نزدیکان خود را، یعنی دوستی اهل بیت نبوت را از شما خواهانم».^{۴۵} این گفته به گونه‌ای اشاره به «حدیث ثقلین» و پذیرش آن نزد علمای اهل سنت نقشبندیه دارد که می‌توان آن را از اشتراکات با شیعه قلمداد نمود.

ایشان همچنین اهل بیت پیامبر (ص) را به کشتی نوح مانند کرده که اگر کسی بر آن سوار شود، نجات یافته و کسی که از آن جا ماند، به هلاکت می‌رسد؛ ناگفته نماند وی به نقل از بعضی بزرگان، اصحاب رسول اکرم (ص) را نیز به ستاره‌ها تشبیه نموده که مردم با اقتداء به آن هدایت می‌شوند و می‌گویند: «از

۴۱. مجددی، شرح درالمعارف، ملفوظات حضرت شاه عبدالله دهلوی، ۲۴۵.

۴۲. فاروقی، مکتوبات امام ربانی، ۵۷۳.

۴۳. قاضی، خواجه بهاء‌الدین نقشبندی در دوره تیموری، ۱۶۱.

44. Semih, . Tuekiyede Tarikatlar, p. 641

۴۵. فاروقی، مکتوبات امام ربانی، ۲۵۶.

جهت اشارت بدین که سوار کشتی را چاره نیست از رعایت ستاره‌ها، تا از بیم هلاک مأمون بود و مصون. بدون رعایت ستاره‌ها نجات از هلاک شدن، به هیچ وجه متصور نیست».^{۴۶} می‌توان گفت در کنار حُب اهل بیت (ع) همچنان برای صحابه احترام ویژه قائل است.

از همه مهم‌تر در وصف و جایگاه ائمه اثنی عشر می‌نویسد: «و چون دوره حضرت امیر تمام شد، این منصب عظیم القدر {قرب ولایت} به حضرات حسنین ترتیباً مفوض و مسلم گشت و بعد از ایشان همان منصب به هر یکی از ائمه اثنا عشر علی الترتیب و التفضیل قرار گرفت و در اعصار این بزرگواران و همچنین بعد از ارتحال ایشان هر که را فیض و هدایت می‌رسید، به توسط این بزرگواران بوده، هر چند اقطاب و نجای وقت بوده باشد».^{۴۷} این توصیف نشان از قائلیت به ولایت و همچنین قائل بودن به دوازده امام از ناحیه ایشان دارد.

نورالدین عبدالرحمن جامی از بزرگان طریقت نقشبندیه و یکی از شاعران و عارفان مشهوری است که در میان صوفیان جایگاه والایی دارد. وی آثار ارزشمندی در باره تصوف به جای گذاشته ولی در مثنوی هفت اورنگ دیدگاه‌های عرفانی ایشان بیشتر مطرح شده است.^{۴۸} و در این کتاب بیت‌های بسیاری در ستایش ائمه به ویژه امام علی (ع) سروده است.

خواص ال پیامبر و اصحاب کز همه بهتر بود در هر باب

بعد از محمد به علم و وفا اسدالله خاتم الخلفا

همه آثار وحی دیده از او همه اسرار دین شنیده از او

رضی الله عنهم از سکوی حق بهر ایشانی بشارت

واعظ کاشفی یکی دیگر از بزرگان طریقت نقشبندی در کتاب لطایف الطوائف، حضرت علی (ع) را وصی پیامبر خوانده مطلبی که در منابع اهل تسنن به ندرت مشابه آن دیده می‌شود؛ در این کتاب از صحابی دیگر نام نبرده و در باب دوم آن نیز حکایت و لطایفی از ائمه اطهار به نام دوازده امام بیان نموده و آن را به دوازده فصل تقسیم کرده و در فصل دوازدهم چهل علامت و نشانه دل در ظهور حضرت

۴۶. فاروقی، مکتوبات امام ربانی، ۵۹.

۴۷. فاروقی، مکتوبات امام ربانی، ۵۷۳.

۴۸. رضاعنش و امامی، «بررسی سیر و سلوک هشت‌گانه طریقه نقشبندیه در هفت اورنگ جامی»، ۸۶.

۴۹. جامی، مثنوی هفت اورنگ، ۱۴۷.

حجت(ع) را ذکر کرده است. وی مدح و دعا برای محمد سلطان، فرمانروای غرجستان را با بیتی در ستایش حضرت علی(ع) این گونه شروع می کند:

پسر شاه ولایت علی عالی اعلا به حق آل محمد به نور عترت احمد
بزرگوار خدایا به حق جمله امامان که باد حضرت سلطان به آن برادر ارشد^{۵۱}

نگارندگان کنونی این شیوخ را با اینکه سنی مذهب بودند و به اهل بیت(ع) و بویژه دوازده امام(ع) گرایش داشتند، «سنیان دوازده امامی» می خوانند. تاریخچه ایجاد چنین نگرشی به قبل از حمله مغول بر می گردد، همزمان با سلجوقیان روم، اندیشه تساهل و تسامح میان مسلمانان رواج یافت و با پیوند تشیع و تسنن، عقاید شیعه در بین مردم هر چه بیشتر گسترش پیدا کرد و تاریخ شاهد تغییر نگرش صوفیان نقشبندی بود، بنابراین می توان گفت که سنیان دوازده امامی نقشبندی از پیشگامان این عقیده بودند. گرچه برخی از آنان مانند جامی و... آثاری در رد عقاید شیعه نگاشته بودند ولی پس از گذشت اندک زمانی از مواضع خود عقب نشینی کردند و هنگام پختگی با بینشی وسیع تر گرایش به تسنن دوازده امامی را اتخاذ نمودند.^{۵۲}

در عهد تیموری و مغول این تغییر مواضع گسترش یافت و نفوذ عقاید شیعی میان اهل تسنن، سبب تکریم و تقدیس ائمه و اهل بیت گردید. به هر روی، در سده هشتم و نهم زمینه تفکر بین اهل سنت و شیعه به سمتی کشیده شد که اهل سنت بر این باور بودند که می توان میان چهار خلیفه و دوازده امام جمع کرد.^{۵۳} این گروه از اهل سنت خلفای راشدین را بر اساس فقه ظاهر قبول دارند و به ولایت ائمه(ع) به عنوان ولایت باطنی معتقدند. شاخه کاسانیه نقشبندی در این عرصه پیشرو است.



۵۱. واعظ کاشفی، رشحات عین الحیات، ۱۲.

۵۲. امینی زاده و رنجبر، «تسنن دوازده امامی خراسان»، ۷۰-۷۱.

۵۳. جعفریان، تاریخ ایران اسلامی، ۲۵۵.

نسخه خطی از اهل تسنن دوازده امامی از منابع کتابخانه عثمانی^{۵۴}

۲-۳. حضرت مهدی(ع) و اعتقاد به ظهور

مشایخ سلسله نقشبندیه در اغلب منابع خود از لفظ «مهدی» برای امام زمان(عج) استفاده نموده‌اند و در آثار بسیاری تولد و ظهور آن حضرت را بیان کرده‌اند؛ گرچه برخی معتقدند که حضرت هنوز به دنیا نیامده، ولی بیشتر آنها به وجود حضرت اذعان داشته و در باره آن سخنانی دارند تا آنجا که برخی پژوهشگران می‌گویند آنچه در آثار برخی بزرگان مانند جامی، کاشفی، پارسا، سرهندی و سایر مشایخ نقشبندی به چشم می‌خورد معرفی حضرت حجت(ع) مطابق با آرا و نظرات شیعه به عنوان دوازدهمین امام است حتی شرح به دنیا آمدن آن حضرت و سال‌های اولیه زندگی‌اش از سنت شیعیان گرفته شده است.^{۵۵} شیخ مجدّد الف ثانی، حضرت حجت(ع) را به نسبت مجددیه میدانند و وی را به ظاهر و باطن مروج نسبت علیه میخواند. اعتقادش بر این است که «مهدی موعود» معارف و حقایق وی را مطالعه خواهد کرد و قبول خواهد نمود.^{۵۶}

وی همچنین می‌نویسد: «در حدیث آمده است که اصحاب کهف اعوان حضرت مهدی خواهند بود و حضرت عیسی علی نبینا و علیه الصلوة والسلام در زمان وی نزول خواهد کرد و او موافقت خواهد کرد با حضرت عیسی علی نبینا و علیه الصلوة والسلام در قتال دجال».^{۵۷} بسیاری از پیران نقشبندیه به وجود و ظهور حضرت حجت(عج) معتقد و معترف هستند که این دیدگاه می‌تواند در زمینه برقراری و رشد تقریب نقش مهمی داشته باشد.

۳. راهبردهای تقریب مذاهب در نقشبندیه ترکیه

از جمله راهبردهای اعتقادی که شاید بتوان گفت اثرگذارترین راهبرد زمینه تقریب مذاهب است راهبرد محبت به پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت آن حضرت است.

۳-۱. راهبرد محبت اهل بیت(ع)

۵۴. موجود در اسناد کتابخانه دانشگاه مذاهب اسلامی تهران.

۵۵. الگار، نقشبندیه، ۲۰۱.

۵۶. فاروقی سرهندی، مکتوبات امام ربانی، ۴۹۷.

۵۷. فاروقی سرهندی، مکتوبات امام ربانی، ۶۷.

نقشبندی به وضوح تأکید و اصرار بر اتصال به ائمه (ع) و ابراز ارادت به آنها را دارند که به بعضی از آثار آنان در باره اهل بیت (ع) اشاره شد.

تأکید بر احادیث و روایات متواتر مشترک نزد اهل سنت و شیعه از جمله «حدیث ثقلین»^{۵۸}،^{۵۹} که در منابع متعدد شیعه و سنی نقل شده است. این حدیث بایستگی تمسک به اهل بیت (ع) و هدایت‌گری ایشان برای پیشگیری از گمراهی را نشان می‌دهد و از آنجا که سایر مذاهب اسلامی به ویژه اهل تصوف با گرایش‌های عارفانه و صوفیانه به ابراز محبت به ایشان و اعتراف به جایگاه والای آنان همت داشتند می‌توان از آن برای اهداف تقریب بهره برد؛ از این‌رو، نقش محبت و هدایت اهل بیت (ع) یکی از زمینه‌های مشترک بنیادین برای تقریب بین تشیع و تصوف شمرده می‌شود و می‌توان با بازخوانی و مطالعه گسترده، الگوهای درون کشوری و بین‌المللی در عرصه سیاسی و علمی ارائه داد. بنابراین جایگاه ویژه اهل بیت (ع) برای تسهیل تقریب سودمند خواهد بود، در راستای تقریب به فعالیت‌های دیگر اشاره می‌شود:

۱- پذیرش تصوف و علمای آن به ویژه نزد برخی فقیهان شیعی که بسان برخی از فقیهان اهل سنت هنوز در بند سب و لعن خلفاء هستند.

۲- اعتباربخشی به خانقاه‌ها در کنار حسینیه‌ها

۳- تسهیل زیارت بارگاه حضرات معصومین (ع) برای مشایخ و پیروان نقشبندیه

۴- ترویج اندیشه‌های اهل بیت (ع)

۵- بیان نظرات مشترک از هر دو ناحیه تصوف اهل سنت و شیعه

۶- مطالعه سیره نبوی و ائمه اطهار (ع) از جانب اهل سنت و پرهیز از فتواهای تکفیری و سلفی

۷- نشر کرامات و فضایل اهل بیت به دور از خرافه و غلو

۸- کمک به بازتعریف مدیریت زیارتگاه‌ها و پاکسازی از فساد و خرافه‌گرایی و عوام زدگی

۹- کمک به عمیق کردن معارف و باورهای درست نسبت به اهل بیت (ع) با توجه به میزان پذیرش و رعایت اصول علمی.^{۶۰}

۲-۳. راهبرد گرایش‌های صوفیانه

واژه تصوف و صوفی در ایران نزد برخی فقیهان و شیعیان اهل شریعت وجهه خوشایندی ندارد ولی در ترکیه

۵۸. قندوزی، ینایع المودة، ۱۲۴.

۵۹. (إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي مَا إِنَّ تَمَسُّكَكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ) قندوزی؛ ینایع

المودة، ج ۱: ۱۲۴.

۶۰. بهزاد و دیگران، «چکیده مقالات همایش بین‌المللی نقش عرفان در برقراری صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز»، ۳۶.

چنین نیست و صوفی بر وزن «عارف» قلمداد می‌شود. اسلام در ترکیه بیشتر با اسلام طریقتی و صوفیانه توسط ایرانیان رواج یافته و شاید بتوان گفت به آموزه‌های تشیع نزدیک است. از سویی، ایران یکی از قطب‌های جغرافیایی اصلی عرفان و تصوف در جهان اسلام است و این موضوع تعلق خاطر بیشتری را نسبت به ایران و عرفان آن سبب می‌شود.^{۶۱} از همین‌رو، می‌توان برای بهره‌مندی از آن راهبردهای مناسبی را ارائه داد که به بعضی اشاره می‌شود:

- ۱- ترجمه و انتشار متون فارسی صوفیانه و عرفانی از زبان فارسی به ترکی و از ترکی به فارسی.
 - ۲- تأسیس مراکز علمی و رسمی در راستای فعالیت تقریب با تکیه بر نگرش تصوف
 - ۳- آموزش زبان فارسی برای بهره‌مندی از متون اصیل و معتبر تصوف
 - ۴- برقراری ارتباط با علما و شیوخ تصوف به ویژه نقشبندیه و مراکز وابسته به آنها برای آشنایی با مسائل موجود در ترکیه
 - ۵- ایجاد نقش مرجعیت علمی و محوری برای شخصیت‌های آگاه و عالم به تصوف برای جلوگیری از ورود افراد ناآگاه یا کینه‌ورز.^{۶۲}
- همچنین توجه به اشخاص مشترک و محبوب میان ایران و ترکیه، نشر آثار آنان و تاکید بر نگرش‌های خوش‌بینانه آنها در زمینه دوری از اختلاف امت‌ها، تساهل و تسامح، صلح‌جویی و... می‌تواند راهبرد مساعدی در راستای تقریب باشد. می‌توان از نگرش صوفیانه و عارفانه «وحدت وجود» بهره برده که با این نگرش می‌توان میان مذاهب اسلامی بلکه ادیان مختلف و آدمیان و موجودات سازش ایجاد کرد. یکی از شخصیت‌های معروف در ترکیه و ایران «مولانا جلال‌الدین رومی» است که در باره وحدت همه موجودات سخن گفته است:

منبسط بودیم و یک جوهر همه بی سر و بی پا، بُدیم آن سر همه
یک گهر بودیم همچون آفتاب بی‌گره بودیم و صافی همچو آب
چون به صورت آمد آن نور سره شد عدد چون سایه‌های کُنگره
کنگره ویران کنید از منجنیق تا رود فرق از میان این فریق^{۶۳}

وی همچنین در باره وحدت انبیاء می‌سراید:

هر نبی و هر ولی را مسلکی است لیک با حق می‌برد جمله یکی ست^{۶۴} (همان، بیت: ۳۱۵۲)

۶۱. بهزاد، «فرصت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب صوفیه اهل سنت پاکستان»، ۱۱۳.

۶۲. بهزاد، «فرصت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب صوفیه اهل سنت پاکستان»، ۲۲۸.

۶۳. مولانا، ۱۳۶۲، دفتر اول بیت: ۶۹۶-۶۹۹.

صد کتاب ار هست جز یک باب نیست صد جهت را قصد جز محراب نیست
این طُرق را مخلصش یک خانه است این هزاران سنبل از یک دانه است^{۶۵}
در مثنوی معنوی اینگونه نگرش‌ها بسیار است که در تنه داستان‌های گوناگون بیان شده و می‌توان از آنها
برای تقریب و وحدت مذاهب اسلامی سود جست.

۳-۳. راهبرد سیاسی - تاریخی

آموزه‌های سیاسی طریقت نقشبندیه بیشتر بر بایستگی اطاعت از حاکمان تأکید دارد. اندیشندگان
نخستین، تمایلی به جنگ و نزاع با سایر مذاهب و حکومت‌ها نداشتند، زیرا آنها در باره فعالیت‌های
سیاسی بر این باور بودند که برای مصالح و حل و فصل امور مسلمانان و برای پایان دادن به جنگ و
درگیری بایسته است از نفوذ حاکمان برای رعایت احترام به سنت و احکام شریعت استفاده کنند.^{۶۶}

با این مقدمه راهبردهایی که می‌تواند در زمینه سیاسی ثمربخش باشد، بیان می‌شود:

۱- کنار گذاشتن درگیریهای تاریخی: در دوره عثمانی درگیری‌های تاریخی شیعیان و سنیان به مرگ
انسان‌های بی شماری انجامید که سبب کینه و دشمنی پیروان مذاهب از یکدیگر شد و آثار آن تا امروز نیز
باقی است، این باید آینه عبرت باشد تا مسلمانان با نگاهی ژرف و دوراندیشانه به وضعیت فعلی جهان
اسلام بدانند که گرایش‌های متعصبانه برای آنان آثار ویرانگری چونان تاریخ نیاکانشان، برجای می‌گذارد
بنابراین باید از تفرقه، کینه و درگیری دوری نمایند و بکوشند تا جوامع اسلامی در صلح و آرامش باشند و
افراد آن زندگی مسالمت‌آمیزی را تجربه نمایند.

۲- گذر از کینه‌های قدیمی سیاسی - تاریخی

۳- هوشیاری در اختلاف‌های سیاسی و نسبت ندادن آنها به دین و مذهب برای پیشگیری از درگیری
مذاهب

۴- مطالعه پیامدهای مثبت سیاسی - اجتماعی تقریب

۵- پژوهش‌های علمی برای دستیابی به اشتراکات سیاسی و تاریخی و دوری از پراکندگی

۶- استفاده از تساهل و تسامح صوفیانه برای برطرف کردن سوءبرداشت‌های سیاسی، تاریخی و

اجتماعی

۷- دوری از تبلیغ منفی علیه سایر مذاهب در راستای زیاده‌خواهی طریقتی یا قدرت سیاسی

۶۴. مولانا، ۱۳۶۲، بیت: ۳۱۵۲.

۶۵. مولانا، ۱۳۶۲، دفتر ششم، بیت: ۳۶۷-۳۶۸.

۶۶. نیشابوری، ملفوضات عیداله احرار، ۷۳.

نتیجه‌گیری

بر اساس تعالیم دین اسلام، جدایی و تفرقه در بین مسلمانان جایز نیست چه رسد به کشتار و غارت یکدیگر، مسئله‌ای که این دین‌ورزان سده‌هاست درگیر آن هستند. از سوی دیگر، تقریب و زندگی مسالمت آمیز و صلح و آرامش برگرفته از آیات و روایات است و مراد از تقریب یکسان سازی اعتقادهای مذهبی برای دستیابی به این صلح نیست زیرا فهم و برداشت گوناگون از مسائل، طبیعی است ولی این گوناگونی نباید دلیل بر تفرقه و درگیری باشد.

ایران به عنوان مرکز شیعیان و ترکیه به عنوان کشور دارای اکثریت اهل سنت می‌توانند صلح و آرامش را در جوامع اسلامی پایدار کنند تا بر پایه منابع دینی و ظرفیت‌های مشترک دو جانبه، زمینه‌های مساعد برای پیشرفت و ثبات جامعه اسلامی فراهم شود.

طریقت نقش‌بندیه در ترکیه حضور و نفوذ گسترده‌ای در سطوح مختلف فرهنگی و اجتماعی دارد. از این‌رو، امکان تأثیرگذاری مناسب برای اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی را دارد و می‌تواند سبب توازن مذهبی در جامعه گردد. علاقه و حبّ بزرگان نقش‌بندیه به اهل بیت (ع)، دلبستگی برخی از علمای آنها به متون فارسی عرفانی، وجود زبان فارسی به عنوان زبان رسمی نقش‌بندیه و... می‌تواند از امتیازهای ظرفیت‌های تقریب تصوفی در بین مذاهب اسلامی باشد.

راهبردهای بهره‌مندی از محبت اهل بیت و حب اهل تصوف سنی به آنان، گرایش‌های صوفیانه تساهل و تسامح در اجتماع، رویکردهای ضد تکفیری و سایر ظرفیت‌های دینی بین نقش‌بندیه و شیعه راهبردهای بسیاری برای تغییر و پیشرفت در سرزمین‌های اسلامی را فراهم می‌سازد:

۱- تأکید قرآن بر برادری و اخوت مسلمانان را می‌توان اینگونه تعبیر کرد که اگر درگیری و اختلاف بین مسلمانان رفع شود قدرت واقعی اسلام و مسلمانان، احیای ظرفیتهای فرهنگی، علمی و اجتماعی، توانمندی در برابر تهاجمات دشمنان و الگوسازی آنها آشکار می‌شود و از همین‌رو، برقراری صلح و همگرایی بین مسلمانان، دوری از اختلاف‌های قومی و احترام به نگرش و باورهای پیروان مذاهب اسلامی برای تحقق «امت واحده» و دستاوردهای آن بایسته است.

۲- تأکید بر اشتراکات دینی، زیرا در آموزه‌های دینی اشتراک بسیاری وجود دارد و اختلاف‌ها در مسائل جزئی یا در مسائل سیاسی یا اجتهاد علمای دین از تعالیم فرعی است که امکان خطا در آن هست.

۳- دوری از اختلاف‌های سیاسی و جداسازی آنها از باورهای مذهبی، زیرا در درازای تاریخ انگیزه‌های سیاسی عامل رویارویی عقاید مذهبی و تقابل پیروان مذاهب اسلامی بوده‌اند.

۴- آگاهی و شناخت درست از باورهای سایر مذاهب اسلامی، زیرا شناخت نادرست یا دشمنانه از

دیدگاه‌های مذاهب سبب کج فهمی، کینه‌توزی و در نتیجه کشتار و... را در پی داشته است.

۵- گفتمان و روشن کردن آرای مذاهب

۶- توجه به ارزشهای مشترک مانند احترام حضرت رسول(ص) و اهل بیت(ع) و جایگاه آنها به عنوان مراجع دینی و مذهبی و احترام به سایر صحابه پیامبر اسلام.

۷- پرهیز از سوءاستفاده از مسائل دینی در راستای قدرت طلبی و سوءمدیریت حاکمان یا برخی شیوخ طریقتی برای رسیدن به جایگاه‌های سیاسی .

۸- حذف تکفیر از اهل سنت و حذف سب و لعن از ناحیه شیعه

۹- روی آوردن به تساهل و تسامح دینی

۱۰- الگوپذیری از دولت‌های موفق مانند هندوستان در زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و

مذاهب مختلف و فراوان

۱۱- جانبداری نکردن دولت از مذاهب دینی: مطالعه تاریخ نشان می‌دهد هنگامی که حکومت‌های سنی مذهب برپا می‌شدند عرصه را بر شیعیان تنگ کرده و قتل، غارت، آوارگی حتی نسل‌کشی را برایشان در پی داشت از سوی دیگر، پس از به قدرت رسیدن حکومت شیعی، آنان نیز سعی نمودند تا رقبای سنی مذهب را از عرصه خارج کنند. بی‌شک اهداف سیاسی سبب شد تا سردمداران حکومتی برای پاسداری و پیشرفت حکومت خود به یکی از مذاهب روی آورند و سبب جنگ، دشمنی، درگیری تاریخی حتی تکفیر بین شیعه و اهل سنت و... شوند. می‌توان گفت استفاده‌های سیاسی و قدرت طلبانه از دین سبب شد تا رویدادهای ناگوار و تلخی برای پیروان مذاهب اسلامی رخ دهد. بنابراین برای پیشگیری از این رخدادهای دردناک به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران، جانبداری از مذهب را کنار بگذارند.

منابع

قرآن کریم

ابراهیمی راد، عطا. سیرتاریخی طریقت بکناشیه. تهران: ثالث، ۱۳۹۸.

ابن عربی، محیی الدین. الفتوحات المکیه. بیروت: دار صادر، بی تا.

ابن فارس، احمد. معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار احیا التراث العربی، بی تا.

ابن منظور، محمد بن مکرم جمال الدین. لسان العرب. بیروت: دار صادر، ج ۱، ۱۴۱۴ق.

ابوالقاسمی، محمد جواد. اردوش، حسین. ترکیه در یک نگاه. تهران: بین المللی الهدی، ۱۳۷۸.

- اصفهانى، راغب. المفردات فى غريب القرآن. دمشق: دار العلم الدار الشاميه، ۱۴۱۲ق.
- الگار، حامد. نقش‌بندیه. ترجمه حامد وفایی، تهران: مولا، ۱۳۹۸.
- آملی، سید حیدر. جامع الاسرار و منبع الانوار. با تصحیح هانری کرین و عثمان یحیی. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ش.
- امینی، علی. رنجبر، محمد علی. «تسنن دوازده امامی خراسان». فصلنامه شیعه‌شناسی، ش. ۵۷ (بهار ۱۳۹۶): ۶۵-۹۴.
- بهزاد، محمد و دیگران. «چکیده مقالات همایش بین‌المللی نقش عرفان در برقراری صلح و همزیستی مسالمت آمیز». لاهور، گروه زبان و ادبیات پارسی، دانشگاه ال سی بانوان لاهور، ۱۳۹۶.
- بهزاد، محمد. «فرصت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب صوفیه اهل سنت پاکستان». رساله دکتری، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ۱۳۹۷ش.
- پارسا، محمدابن محمد. فصل الخطاب لوصول الاحباب. تصحیح محمد مسگر نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- جامی، عبدالرحمن. مثنوی هفت اورنگ. تصحیح مدرس گیلانی. تهران: سعدی، ۱۳۶۶.
- جعفریان، رسول. تاریخ ایران اسلامی. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ج ۳، ۱۳۷۷.
- رضامنش، رویا. امامی، علی اشرف. «بررسی سیر و سلوک هشت‌گانه طریقه نقش‌بندیه در هفت اورنگ جامی»، عرفانیات در ادب فارسی، ج ۹، ش ۳۳ (۱۳۹۶)، ۸۶-۱۲۲.
- روحانی، بابا مردوخ. تاریخ مشاهیر کرد. تهران: سروش، ج اول، ۱۳۶۴.
- روملو، حسن. احسن التواریخ. به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۴۹.
- شاکر سلماسی، مجید. «مبانی تقریب نظریه تقریب مذاهب اسلامی». رساله دکتری، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ۱۳۹۶.
- شاکر سلماسی، مجید. «ظرفیت‌ها و چالش‌های تقریب در لبنان». رساله کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ۱۳۹۲.
- شروانی، حسین ابن عبدالله. الاحکام فی تکفیر قزلباش. به کوشش رسول جعفریان، قم: میراث اسلامی ایران، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۶.
- شریف، الرضی. نهج البلاغه، ترجمه حسین استاد ولی، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۸۸.
- طاهری عراقی، احمد. یادگار طاهر: مجموعه مقالات دکتر احمد طاهری عراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- عبادی، مهدی. «بحران مشروعیت سلطنت و ارتباط آن با وقوع جنگ چالدران». تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۹ (بهار و تابستان ۱۳۹۳): ۱۴۱-۱۵۸.
- صدوقی سها، منوچهر. سمیعی، کیوان. دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران، تهران: پاژنگ، ۱۳۷۰.
- غزالی، ابو حامد محمد ابن محمد. احیا العلوم. تصحیح عبدالرحیم بی حسین حافظ عراقی. تهران: فردوس، ج ۳، ۱۳۹۰.

فاروقی سرهندی، احمد. مکتوبات امام ربانی. به کوشش ابوالحسن عبدالمجید مرادزهی، خاش، بی تا.
واعظ کاشفی، فخرالدین صفی علی بن حسین. رشحات عین الحیات، به کوشش علی اصغر معینیان، تهران: بنیاد نیکوکاری
نوریانی، ج ۱، ۱۳۵۶.

فریدون بیگ، احمد. منشآت السلاطین، چاپ سنگی، استانبول، ۱۲۶۴ق.
قاضی، عبدالرحیم. خواجه بهاءالدین نقشبندی در دوره تیموری، سنج: انتشارات کردستان، ۱۳۸۸.
قدوزی، سلیمان بن ابراهیم. ینایع الموده، ترجمه محمد تقدیمی صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس
رضوی، ۱۳۹۹.

کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۵.
مجددی، رنوف احمد. شرح درالمعارف، ملفوظات حضرت شاه عبدالله دهلوی، تحقیق و شرح ایوب گنجی، سنج:
انتشارات کردستان، ج ۱، ۱۳۷۶.

محمود عبدالرحمن، عبدالمنعم. معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیه. قاهره- مصر: دارالفضیله، ۱۴۱۹ق.
مولانا جلال الدین رومی. مثنوی معنوی، به کوشش محمد استعلامی. تهران: زوار، دفتر اول و ششم، ۱۳۶۲.
ناطق، مرادعلی. تاریخ تقریب مذاهب اسلامی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، ۱۳۹۱.
نوابی، عبدالحسین. شاه اسماعیل مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی به همراه یادداشت‌های تفصیلی. تهران: ارغوان،
۱۳۶۸.

نسفی، عزیزالدین. بیان التنزیل، به کوشش سید علی اصغر میر باقری فرد. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
نیشابوری، میرعبدالاول. ملفوظات عبیداله احرار، تصحیح عارف نوشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.
واعظ کاشفی، فخرالدین علی ابن حسین. لطائف الطوائف، به اهتمام ابراهیم نبوی. تهران: روزنه، ۱۳۷۸.

Abdizade, huseyin Husameddin. *Amasya Tarihi*. Istanbul: 1328-30/1910-12, 1986.

Gunduz, İrfan. *Osmanlılarda Devlet-Tekke Munasebetleri*. Istanbul, Seha Nesriyat, 1989.

Semih, Ceyhan. *Tuekiyede Tarikatlar, Tarih ve kultur*, 2018.

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm.

Abū al-Qāsimī, Muḥammad Javād. Ardūsh, Husayn. *Turkiyih dar Yik Nigāh*. Tehran: Bayn al-Millālī al-Hudā, 1999/1378.

Algar, Hamid. *Naqshabandiyah. translated by Hāmid Vafāyī*. Tehran: Mawlā, 2019/1398.

Amīnī, ‘Alī; Ranjbar, Muḥammad ‘Alī. “Tasannun Davāzdah Imāmī Khurāsān”. *Faṣḥnāmih-yi Shī‘ahshināsī*. no.57(Spring 2018/1396): 65-94.

- Āmulī, Sayyid Hydar. *Jāmi‘ al-Asrār va Manba‘ al-Anvār*. Ed Henry Corbin, va ‘Ūthmān Yahyā. Tehran: Anjūman Irānshināsī France va Shirkat-i Intishārāt-i ‘Ilmī va Farhangī, 1989/1368.
- Bihzād, Muḥammad et al. “Chikīdih Maqālāt Hamāysh bayn al-Millalī Naqsh ‘Irfān dar Barqarārī Şulḥ va Hamzīsī Musālimatāmīz”. *Lāhūr*, Gurūh Zabān va Adabiyāt-i Pārsī, Dānishgāh Il sī Bānūvān Lāhūr, 2018/1396.
- Bihzād, Muḥammad. *Furṣat-hā va Chālīsh-hā-yi Taqrīb Mazāhib Şūfiyih Ahl Sunat Pākistān*. Risālah Dukturī, Qum: University of Religions and Denominations, 2019/1397.
- Fāruqī Sirhindī, Aḥmad. *Maktūbāt Imām Rabānī*. researched by Abū al-Ḥasan ‘Abd al-Majīd Murādzihi, Khāsh, s.d.
- Feridun Bey, Ahmet. *Munshaāt al-Salātīn*, Istanbul: Chāp Sangī, 1847/1264,
- Ghazzālī, Abū Ḥāmid Muḥammad ibn Muḥammad. *Iḥyā al-‘Ulūm*. Ed. ‘Abd al-Raḥīm Ḥusayn Ḥāfiẓ ‘Irāqī. Tehran: Firdūs, 2012/1390.
- ‘Ibādī, Mahdī. “Buḥrān Mashrū‘iyat Salṭanat va Irtibāt ān bā Vuqū‘ Jang-i Chāldirān”. *Tārikh va Tamadūn Islāmī*. no. 19, (spring and summer 2014/1393): 141-158.
- Ibn ‘Arabī. Muḥyī al-Dīn. *al-Futūḥāt al-Makkiyah*. Beirut: Dār Şādir, s.d.
- Ibn Fāris, Aḥmad. *Muḥjam Maqāyīs al-Lughah*. Beirut: Dār Iḥyā‘ al-Tūrāth al-‘Arabī. s.d.
- Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram Jamāl al-Dīn. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Şādir, 1994/1414.
- Ibrāhīmī Rād, ‘Atā. *Siyar-i Tārikhī Ṭarīqat Baktāshīyah*. Tehran: Thālith, 2020/1398.
- Işfahānī, Rāghib. *al-Mufradāt fī Gharīb al-Qurān*. Damascus: Dār al-‘Ilm Dār al-Shāmiyah. 1992/1412.
- Ja‘fariyān, Rasūl. *Tārikh Irān Islāmī*. Tehran: Mū‘assisah-yi Farhangī Dānish va Andishih Mu‘āshir, 1998/1377.
- Jāmī, ‘Abd al-Raḥmān. *Maṣnavī Haft Awrang*. ed. Mudarris Gilānī. Tehran: Sa‘dī, 1988/1366.
- Kulīnī, Muḥammad ibn Ya‘qūb, *al-Kāfī*, Tehran, Dār al-Kutub al-Islāmiyyah, 1986/1365.
- Maḥmūd ‘Abd al-Raḥmān, ‘Abd al-Mun‘im. *Muḥjam Muṣṭalahāt wa al-Alfāẓ al-Fiqhiyah*. Cairo-Egypt: Dār al-Faḍīlah, 1998 /1419.
- Mujadadī, Raṭīf Aḥmad. *Sharḥ Durr al-Ma‘ārif, Malfūzāt Ḥāzrat Shāh ‘Abd Allāh Dihlavi*. researched by Ayūb Ganjī, Sanandaj: Intishārāt Kurdistān, 1998/1376.
- Mūlānā, Jalāl al-Dīn Rūmī. *Maṣnavī-yi Ma‘navī*. researched by Muḥammad Istī‘lāmī, Tehran: Zuwwār, Daftar Awwal va Shishum, 1983/1362.

- Nasafi, 'Aziz al-Din. *Bayan al-Tanzil*. researched by Sayyid 'Ali Asghar Mirbāqirī fard. Tehran: Anjuman Āsar va Mafākhir Farhangī, 2000/1379.
- Nātiqī, Murād 'Ali. *Tārikh Taqrib Mazāhib Islāmī*. Tehran: Majma' Jahānī Taqrib Mazāhib Islāmī, Mu'avinat Farhang, 2012/1391.
- Navāyī, 'Abd al-Ḥusayn. *Shāh Ismā'il; Majmū'ah-yi Asnād va Mukātibāt Tārikhī bi Hamrāh Yāddāsh-t-hā-yi Tafṣilī*. Tehran: Arghūn, 1989/1368.
- Nayshābūrī, Mīr 'Abd al-Awwal. *Malfūzāt 'Ubayd Allāh Aḥrār*. Ed. 'Arif Nūshāhī, Tehran: Markhaz-i Nashr-i Dānishgāhī, 2001/1380.
- Pārsā, Muḥammad ibn Muḥammad. *Faṣl al-Khiṭāb li-Waṣl al-Aḥbāb*. ed. Muḥammad Misgarnizhād. Tehran: Markaz-i Nashr-i Dānishgāhī, 2003/1381.
- Qādī, 'Abd al-Raḥīm. *Khvājah Bahā' al-Dīn Naqshbandī dar Dūrih-yi Tiymūrī*. Sanandaj: Intishārāt Kurdistan, 2010/1388.
- Qandūzī, Sulaymān ibn Ibrāhīm. *Yanābī' al-Mawaddah*. translated by Muḥammad Taqadumī Šābirī, Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Islāmī Āstān Quds Raḥavī, 2021/1399.
- Rizāmanish, Ru'ya; Imāmī, 'Ali Ashraf. "Barrisi Siyr va Sulūk Hashtgānih Tarīqah Naqshabandīyah dar Haft Awrang Jāmi", *Irānīyāt dar Adab Fārsī*, no. 33, 2018/1396, 86-122.
- Rūhānī, Bābā Mardūkh, *Tārikh-i Mashāhīr-i Kurd*. Tehran: Surūsh, 1985/1364.
- Rūmlū, Hasan. *Aḥsan al-Tavārikh*. edited by 'Abd al-Ḥusayn Navāyī. Tehran: Bungāh-i Tarjamah va Nashr-i Kitāb, 1971/1349.
- Šadūqī saḥā, Manūchihr; Samī'i, Kiyvān. *Du Risālah dar Tārikh-i Jadīd Taṣavvūf Irān*. Tehran: Pāzhang, 1992/1370.
- Shākir Salmāsī, Majīd. *Mabānī Taqrib Nazariyih-yi Mazāhib Islāmī*. Risālah Dukturī, Qum: University of Religions and Denominations, 2018/1396.
- Shākir Salmāsī, Majīd. *Zarfiyat-hā va Chālīsh-hā-yi Taqrib dar Lubnān*. Risālah Master Thesis, Qum: University of Religions and Denominations, 2013/1392.
- Sharīf al-Raḍī. *Nahj al-Balāgha*. translated by Ḥusayn Ustād Valī, Qum: Intishārāt-i Usvih, 2009/1388.
- Shrwānal, Ḥusayn ibn 'Abd Allāh. *al-Aḥkām fī Takfīr Qizilbāsh*. Researched by Rasūl Ja'fariyān, Qum: Mīrās-i Islāmī Irān: Kitābkhānah-yi Āyat Allāh Mar'ashī Najafī, 1998/1376.

Ṭāhirī ‘Irāqī, Aḥmad. *Yādigār Ṭāhir: Majmū‘ih Maqālāt-i Duktur Aḥmad Ṭāhirī ‘Irāqī*, Tehran: Markaz-i Nashr-i Dānishgāhī, 2004/1382.

Wā‘iz Kāshifī, Fakhr al-Dīn ‘Alī ibn Ḥusayn. *Laṭāyif al-Ṭavāyif*. Researched by Ibrāhīm Nabawī. Tehran: Rawzanīh, 1999/1378.

Wā‘iz Kāshifī, Fakhr al-Dīn Ṣafī ‘Alī ibn Ḥusayn. *Rashaḥāt ‘Ayn al-Ḥayāt*. researched by ‘Alī Aṣghar Mu‘īniyān, Tehran: Bunyād-i Nikūkārī Nūriyānī , 1977/1356.

